

شیخ طوسی در ذیل این روایت می‌گوید: این روایت با حدیث دیگر و بلکه احادیث دیگری که راهنمایی صیاد را به سوی صید، بر مَحْرَم حرام می‌دانند، معارض نیست؛ زیرا امام علیه السلام در اینجا به نحو استفهام انکاری به مخاطب گفته است: قَالَ يَجُوزُ لِلصَّيْدِ أَنْ يُصَيَّدَ عَلَى مُحَلٍّ؟، یعنی آیا جایز است که مُحْرَم، صیاد را به طرف صید راهنمایی کند؟ پس برای عقد ازدواج مُحَلِّ هم نمی‌تواند شاهد شود.

مثال سوم:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُ خَطَأً فِي الصَّخْرَةِ أَوْ يَصِيدُهُ أَوْ يَأْكُلُهُ قَالَ هُوَ مَسْمُومٌ كُلُّهُ!

عمار بن موسی از امام صادق علیه السلام دربارهٔ مردی پرسید که پرستویی را در صحرا می‌زند یا صید می‌کند؛ آیا آن را بخورد؟ امام فرمود: «آن از چیزهای خوردنی است؟!» شیخ طوسی در اینجا نیز عبارت اخیر را بر تعجب حمل کرده است، نه جمله خبری. وی مؤید توجیه خود را روایت قبلی در همانجا دانسته است که صریحاً خوردن پرستو را حرام می‌داند.

### چکیده

موانع فهم متن، عبارات اند از اشتراک لفظی، تحوّل زبان، خلط معنای لغوی و اصطلاحی، خلط معنای فارسی و عربی، نادیده گرفتن حروف، تصحیف و تحریف، تقطیع نادرست؛ و موانع فرامشی عبارات اند از: تتبع ناقص، پیروی از اهوا و آراء، ساده‌انگاری، بسته‌ذهنی، خلط خبری و تطبیق با تفسیر و نادیده گرفتن آهنگ سخن

### پرسش و پژوهش

۱. کدام یک از موانع عمده فهم حدیث در فهم قرآن نیز رُخ می‌نماید؟
۲. به نظر شما، راه حل اصلی زدودن موانع در فهم حدیث چیست؟
۳. مراجعه به کتب لغت و غریب الحدیث در زدودن کدام یک از موانع فهم حدیث مؤثر است؟
۴. تشکیل خانواده حدیث کدام یک از موانع فهم حدیث را می‌زداید.
۵. برای هر یک از موانع عمده فهم یک مثال نو بیابید.

## آشنایی با منابع حدیثی ۱

### جوامع حدیثی شیعه

هادی مهبت<sup>۱</sup>

#### مقدمه

گردآوری سخنان و ثبت سیره عملی پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام در طول بیش از دو قرن و نیم حضور پر برکنشان همواره مورد توجه مسلمانان بوده است. این میراث ارزشمند که پس از آموزه‌های قرآن کریم مهم‌ترین منبع شناخت معارف اعتقادی، اخلاقی و احکام شرعی به شمار می‌رود از آغاز توسط اصحاب و شاگردان به صورت شفاهی و با کتبی ثبت و به نسل‌های بعدی منتقل می‌گردید. در روایات بسیاری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بر نوشتن و نگهداری احادیث تأکید شده است. نوشته‌های حدیثی در ابتدا به صورت جزوه‌های کوچکی مشتمل بر چند حدیث شکل گرفت این نوشته‌ها غالباً دارای نظم و موضوع بندی خاصی نبود و صرفاً شامل تعدادی حدیث در موضوعات مختلف بود که راوی در یک یا چند جلسه از معصوم علیه السلام شنیده و آن را ثبت می‌کرد به این جزوه‌ها «اصل» گفته می‌شد چون از نوشته دیگری در تدوین آن استفاده نشده بود. شیخ مفید رحمه الله دوران تصنیف اصول چهارصدگانه امامیه را عصر امام علی علیه السلام تا امام عسکری علیه السلام ذکر کرده است، اگرچه

۱. استادیار دانشکده علوم حدیث.

۲. مانند ابن حدیث: ... عن مُفَضَّل بن عُمَر قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: اكتب و ثبت علمك في اخرايك فإن ميث فأورث كُتُبَك بِيَك فإله ياتي زمان فرج لا يأتيسون فيه إلا ينجيهم. ترجمه: کلینی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت به مفصل بن عمر فرمود: بنویس و علم خود را در میان، برادرانت منتشر کن و اگر مردی کتاب‌هایت را به پسرانت ارث بده، زیرا زمان بی‌نظمی فرا برسد که مردم جز با کتاب‌های خود آسوده خاطر نشوند. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۳. معالم النبلاء، ص ۳۹. عمده این اصول در گذر ایام از بین رفته‌اند، از میان اصول روایی شیعه تعداد ۱۶ اصل باقی مانده که با عنوان «الأصول الستة عشر» به چاپ رسیده است.



مباحث فقهی شامل مباحث دیگری مانند موضوعات اعتقادی و اخلاقی نیز هستند که بر جامعیت آنها افزوده است.

#### دسته‌بندی جوامع حدیثی شیعه

جوامع حدیثی موجود شیعه به لحاظ تاریخی به دو دسته «جوامع حدیثی متقدم» و «جوامع حدیثی متأخر» تقسیم می‌شوند.

با آغاز دوران غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و عدم امکان دسترسی مستقیم به امامان نیاز به تدوین جوامع حدیثی شیعه که شامل حجم بیشتری از روایات باشد بیش از هر زمان دیگر ضروری می‌نمود. از این رو در قرن‌های چهارم و پنجم هجری سه نفر از بزرگترین محدثان جهان چهار کتاب اصلی روایی شیعه را تدوین کردند که به کتب اربعه حدیثی شهرت یافته‌اند. از آنجا که نام هر سه مؤلف، محمد است آنان به محمدون ثلاث اول شهرت یافتند که به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از:

۱. ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق) مؤلف کتاب الکافی،
۲. ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) مؤلف کتاب کتاب من لایحضره الفقیه،
۳. ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ ق) مؤلف کتاب‌های تهذیب الأحکام و الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار.
- علل شهرت یافتن کتب اربعه: ممکن است این سؤال پیش آید که با وجود کتب روایی متعدد شیعه همچون اصول اربعه، جوامع اولیه و... چرا صرفاً همین چهار کتاب به عنوان کتب اربعه یا اصول اربعه شیعه شهرت یافتند؟
- در جواب به این سؤال می‌توان به علت‌های زیر اشاره کرد:

  ۱. وثاقت و مقام بلند علمی مؤلفان کتب اربعه؛
  ۲. اهتمام مؤلفان به جمع‌آوری احادیثی که از صحت و اعتبار بیشتری برخوردارند؛
  ۳. نظم و ترتیب در چینش احادیث و موضوعات؛
  ۴. اشتغال بر حجم گسترده‌ای از احادیث و موضوعات؛
  ۵. قدمت زمانی و نزدیکی آنها به عصر صدور؛
  ۶. تلاش مؤلفان این کتاب‌ها برای حل مشکل تعارض اخبار.

در قرن‌های یازدهم و دوازدهم هجری قمری یعنی در عصر احیای مجدد حدیث

باید گفت بیشتر این اصول در عصر امام باقر (ع) تا امام کاظم (ع) به ویژه در زمان امام صادق (ع) تدوین شده‌اند.<sup>۱</sup> با توجه به حجم کم و پراکندگی موضوعی روایات «اصول» برخی از محدثان در زمان ائمه (ع) کوشیدند تا با جمع‌آوری روایات یک موضوع خاص در مجموعه‌ای مستقل کار دسترسی به روایات را آسان سازند از این رو آثار متعددی با عنوان «کتاب» همچون «کتاب الصلاة»، «کتاب الزکاة»، «کتاب الزهد» و ... شکل گرفت.

در فرق بین اصل و کتاب چنین گفته شده که تبویب و دسته‌بندی در اصول تقریباً مدخلیتی نداشت و روایات به ترتیبی که از معصوم (ع) شنیده شده بود تنظیم می‌شد، اما در کتاب غالباً نوعی تبویب و فصل‌بندی وجود داشت.<sup>۲</sup>

#### جوامع حدیثی شیعه

در زمان امام کاظم (ع) امام رضا (ع) و بعد از آن تا زمان غیبت صغرا که ارتباط مستقیم با امامان به تدریج دشوارتر می‌شد، گروهی از عالمان شیعه به تدوین کتاب‌هایی که جامع احادیث در موضوعات گوناگون بود اقدام کردند تا از این طریق هم احادیث محفوظ بماند و هم مراجعه به این کتاب‌ها برای یافتن حدیث آسان گردد؛ به این کتاب‌ها «جوامع اولیه» گفته می‌شود.<sup>۳</sup> هر چند در گذر تاریخ نسخه‌های اغلب اصول، کتاب‌ها و جوامع اولیه از بین رفته است اما بخش عمده‌ای از روایات این آثار ارزشمند در جوامع حدیثی بعدی با دسته‌بندی مناسب‌تر و تعداد بیشتری از روایات ثبت و به نسل‌های بعدی منتقل گردیده است.

«جوامع» کتاب‌هایی هستند که احادیث در آنها به ترتیب باب‌های فقه گردآوری شده باشد.<sup>۴</sup> باب‌های فقهی شامل مباحثی همچون طهارت، نماز، روزه، حج، جهاد، ارث، نذر و ... است. برخی از این جوامع همانند کتاب الکافی و بحار الأنوار علاوه بر

۱. در این باره رک: جلالی حسینی، مقاله الاصول اربعه، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، حسن الامین، ج ۴، ص ۲۶۸؛ یزدی، در تاریخ حدیث شیعه، ص ۹۳.

۲. تهذیب العقال، ج ۱، ص ۹۳ و ۹۴.

۳. جوامع اولیه مانند: کتاب الجامع الکبیر فی الفقه، تألیف یونس بن عبد الرحمن و النوادر، تألیف احمد بن محمد بن عیسی اشعری و المحاسن، تألیف احمد بن محمد بن خالد برقی و... امروزه تنها بخش‌هایی از کتاب النوادر و المحاسن به دست ما رسیده است.

۴. نهاية الدرایه، ص ۱۷۵؛ معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص ۵۰.



شیعه که فعالیت‌های حدیثی مجدداً اوج گرفت سه اثر مهم حدیثی دیگر تألیف شده که از آنها با عنوان جوامع حدیثی متأخر یاد می‌شود آثاری که به حق از جامع‌ترین و نفیس‌ترین مجموعه‌های حدیثی شیعه به شمار می‌روند. از آنجا که نام مؤلفان این سه جامع حدیثی نیز همچون نام مؤلفان کتب اربعه «محمد» است، از آنها با تعبیر محمد بن ثلاث دوم یاد می‌شود این بزرگان عبارت‌اند از:

۱. محمد بن مرتضی، ملاً محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) مؤلف کتاب الوافی.
۲. محمد بن حسن، شیخ خزّ عابلی (م ۱۱۰۴ ق) مؤلف کتاب وسائل الشیعه.
۳. محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) مؤلف کتاب بحار الأنوار.

### بخش اول

#### جوامع حدیثی متقدم (کتب اربعه حدیثی)

در این بخش به معرفی جوامع متقدم شیعه و مؤلفان آنها می‌پردازیم.

#### ۱. محمد بن یعقوب کلینی و کتاب «الکافی»

ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی معروف به «ثقة الاسلام»<sup>۱</sup> از مشهورترین فقها و محدثان امامیه است که در عصر غیبت صفرا می‌زیست.

قلینی تاربخ<sup>۲</sup> حاکی از آن است که وی در نیمه دوم قرن سوم هجری در روستای کلین جنوب شهر ری در حوالی حسن آباد فعلی چشم به جهان گشود.

کلینی تحصیلات خود را در زادگاهش کلین و در میان خانواده‌های فرهیخته و اهل علم آغاز کرد و با منابع علم حدیث و رجال آشنا شد. وی برای کسب دانش و فراگیری حدیث در طول حیات علمی خویش به شهرهای مختلفی همچون ری، قم، بغداد و کوفه سفر کرد. شهر ری که تا اواخر قرن سوم تحت نفوذ اهل سنت قرار داشت در آن عصر به نقطه برخورد آرا و نظرات فرقه‌هایی چون اسماعیلیه و مذاهبی چون شافعی، حنفی و شیعی مبدل شده بود و در واقع قلب ایران محسوب می‌شد. کلینی در ضمن تحصیلات خود نه تنها با عقاید و نظرات مذاهب و گرایش‌های

۱. ثقة الاسلام یعنی دانشمندی که مورد وثوق و سند وثاقت اسلام و مسلمین است و آن قدر اهمیت داشته که برای اولین بار کلینی سرآمد دانشمندان و فقها و محدثان پیشین شیعه را بدان منسوب کرده‌اند. مفخر

اسلام، ج ۳، ص ۲۸، پاورقی ۲.

۲. درباره این قراین ر ک: «مع الکلینی و کتابه الکافی»، علوم الحدیث، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.

۳. کلین بر وزن حسین در ۲۸ کیلومتری شهر ری و ناحیه جنوب غربی جاده قم به تهران نزدیک حسن آباد کنونی است. به همین جهت او را به لقب «رازی» منسوب به ری هم خوانده‌اند. مفخر اسلام، ج ۳، ص ۲۷؛ فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۱، ص ۱۳۸.



## کتاب الکافی

از آثار متعدد و ارزشمند مرحوم کلینی<sup>۱</sup> تنها کتاب الکافی ایشان به دست ما رسیده اثری که مؤلف بیست سال از عمر خویش را صرف تألیف آن نموده است. الکافی<sup>۲</sup> جامع‌ترین و مهم‌ترین کتاب در میان کتب اربعه شیعه است.

علامه مجلسی کتاب الکافی را دقیق‌ترین، جامع‌ترین، بزرگ‌ترین و بهترین تألیفات شیعه معرفی کرده است.<sup>۳</sup>

مرحوم کلینی در ابتدای الکافی یکی از انگیزه‌های خود را در تألیف الکافی ارائه کتابی دانسته که جامع تمام شاخه‌های اصلی علوم دینی باشد تا طالبان علم دین از طریق اخبار معتبر به علوم و سنن دین دست‌رسی پیدا کنند.<sup>۴</sup>

طریق اخبار معتبر به علوم و سنن دین دست‌رسی پیدا کنند.<sup>۴</sup>  
الکافی حدود ۱۶۰۰۰ حدیث دارد و در سه بخش اصلی تنظیم گردیده است:  
۱. اصول؛ ۲. فروع؛ ۳. روضه.

در برخی از متون کهن برای جدا ساختن بخش‌ها به جای تعبیری همچون «فصل» یا «بخش» از تعبیر «کتاب» استفاده می‌شد. اصول و فروع الکافی نیز دارای بخش‌های متعددی است که با تعبیر «کتاب» از یکدیگر متمایز شده است. مانند: کتاب التوحید، کتاب الحجة، کتاب الطهارة و... اما روضه باب‌بندی ندارد و روایات، یکی پس از دیگری ذکر شده است.

اصول الکافی: شامل مباحث اعتقادی و اخلاقی است که در هشت بخش سامان یافته است.

۱. سایر تألیفات مرحوم کلینی عبارت‌اند از: ۱. تعبیر الرزیه (احادیث مسندی در باره خواب و تعبیر خواب)، ۲. الرد علی القرامطة: این کتاب در رد جریان «قرامطة» نوشته شده بود - جریانی که از فرقه «اسماعیلیه» جدا شده بود. آنها پیرو فردی به نام «خمدان بن اشعث» ملقب به «قومطه» بودند. ۳. الرسائل (رسائل الاثمه): شامل نامه‌هایی از ائمه به فرزندان و یاران خود بود. ۴. کتاب الرجا: این کتاب در دانش رجال بوده است. ۵. ما قبل فی الاثمه من الشعر: شامل اشعار که شعرا در فضایل ائمه علیهم‌السلام سروده بودند.
۲. احتمالاً عنوان الکافی به عنوان نام اثر کلینی از خطبه وی در شروع کتاب اقتباس شده است، آنجا که در پاسخ شخصی که از او تقاضای تدوین چنین کتابی را کرده بود می‌نویسد: «قلت ائک شجبت ان یکون عندک کتاب کاتب جمیع فنون علم الدین». الکافی ج ۱، ص ۸ و ۹. یعنی: گفته بودی که علاقه‌مندی کتابی در اختیار تو قرار گیرد که تو را کلیات کلد و تمام فنون علم دین در آن گردآمده باشد.
۳. «کتاب الکافی ... اصبحت الأصول و اجمعها و احسن مؤلفات الفرة الناجية، و اعظمها» مرآة العقول ج ۱، ص ۳.
۴. الکافی، ج ۱، ص ۹.

مختلف آشنا شده، بلکه به ماهیت برخی از حرکتهایی که می‌رفت تسبیح را از مسیر خود منحرف کند پی برد و به مقابله با آنها پرداخت.

کلینی در زمان خود پیشوای علمای شیعه و چهره درخشان آنها در ری و مشق‌ترین آنها در حدیث و ضبط آن بوده است.<sup>۱</sup>

وی بخش مهمی از عمر خود را در شهر قم، شهر محدثان و راویان شیعه سپری کرد و از محضر محدثان نامداری چون، احمد بن ادریس قمی از یاران امام عسکری علیه‌السلام و نیز علی بن ابراهیم قمی<sup>۲</sup> و بسیاری دیگر از دانشمندان این شهر بهره برد.

کلینی پس از بهره بردن از اساتید مختلف به بغداد، که در آن زمان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی فرهنگی به شمار می‌رفت و آرا و عقاید اکثر مذاهب اسلامی در آن جریان داشت و همچنین آخرین نایب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، «علی بن محمد شمری» در این شهر زندگی می‌کرده، وارد شد.

کلینی سال‌های آخر عمر خویش را در بغداد به سر برد و در آنجا به تدریس و تعلیم الکافی پرداخت این امر زمینه انتشار و شهرت کتاب الکافی را در مرکز علمی آن عصر فراهم آورد.

سرانجام کلینی در حالی که حدوداً بیش از ۷۰ سال از عمرش می‌گذشت و پس از ۲۰ سال تلاش در تدوین کتاب الکافی<sup>۳</sup>، در شعبان سال ۳۲۹ هجری قمری، سالی که سال «تاثیر نجوم» یعنی فرو ریختن ستاره‌ها، نام گرفته است، چشم از جهان فرو بست و در «باب الکوفه» بغداد<sup>۴</sup> به خاک سپرده شد.

۱. رجال النجاشی، ص ۳۷۷.

۲. علی بن ابراهیم بن هاشم قمی صاحب تفسیر علی بن ابراهیم (م بعد از ۳۰۷ ق).

۳. رجال النجاشی، ص ۳۷۷.

۴. قبر وی امروزه در سمت شرقی بغداد در جامع صفویه (اصفیه) قرار دارد. المعین، مع الکلی و کتابه الکافی، علوم الحدیث، ش ۱، ص ۲۲۲ و حسینی جلالی، دریاة الحدیث، ص ۱۴۶.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۷۷ و ۳۷۸؛ رجال الطوسی، ص ۳۲۹. شیخ طوسی می‌نویسد: محمد بن یعقوب الکلینی یکی از ابا جعفر الأعمش جلیل القدر عالم بالأخبار... مات سنة تسع و عشرين و ثلثمائة فی شعبان ببغداد و دفن بیاب الکوفه. ولی شیخ طوسی در کتاب فهرست کتب الشیعه و اصهر لهم، ص ۳۹۵ و ابن طاروس در کشف المحجّه، ص ۱۵۹ سال ۳۲۸ را سال وفات کلینی ذکر کرده‌اند. اما به دلایلی از جمله نزدیک‌تر بودن عصر نجاشی به کلینی قول نجاشی صحیح‌تر به نظر می‌رسد. در باره سالم ماندن جسد و کفن مرحوم کلینی را ک. معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۵۶ و ۵۷.



۳. بیشتر بودن روایات آن نسبت به دیگر جوامع حدیثی متقدم شیعه و نیز صحاح اهل سنت.<sup>۱</sup>

۴. صرف ۲۰ سال وقت برای گردآوری، تدوین و پیرایش کتاب که این امر موجب شده است کافی نسبت به دیگر کتب اربعه از استحکام و دقت بیشتری در نقل اسناد و متون برخوردار گردد.

۵. ذکر کامل اسناد: در کافی غالباً سندها به صورت کامل نقل شده است، برخلاف دیگر کتب اربعه، خصوصاً کتب من لا یحضره الفقیه که سند بسیاری از احادیث در متن این کتب کامل نیست و برای کامل کردن سند لازم است به بخش پایانی کتاب به نام «مشیخه» مراجعه شود.

۶. عنوان دهی دقیق ابواب با عناوین کوتاه و رسا: عناوین انتخابی برای هر دسته از احادیث معمولاً کوتاه، رسا و کاربردی است.<sup>۲</sup>

کتاب کافی از مهم‌ترین و معتبرترین کتب روایی شیعه به شمار می‌رود و مجموعه‌ای از ناب‌ترین و معتبرترین روایات اعتقادی، اخلاقی و فقهی را در خود گردآورده است، لیکن به ندرت ضعفهایی نیز در برخی از روایات به ویژه در بخش روضه آن به چشم می‌خورد که مورد بحث حدیث پژوهان قرار گرفته است.

از مهم‌ترین شروح کافی می‌توان به شرح اصول کافی، اثر صدر المتألهین محمد شیرازی (م ۱۰۵۰ ق) و مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول از علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) اشاره کرد.<sup>۳</sup>

بخش‌های اصول و روضه کافی به فارسی ترجمه و مستقلاً نیز منتشر شده است.<sup>۴</sup>

۱. زیر کافی قریب ۱۶۰۰۰ حدیث دارد و در میان کتب اربعه، پس از آن تهذیب الأحکام با ۱۳۵۸۰ حدیث بیشترین تعداد روایت را دربر دارد. کتب ششگانه اهل سنت نیز پس از حذف مکررات تنها مشتمل بر قریب ۹۵۰۰ روایت‌اند.

۲. در کافی به ندرت ابواب بدون نام نیز مشاهده می‌شود مانند: ج ۵، کتاب الجهاد، ص ۳۲ و ۳۴ و ۴۲ و ۴۵ و ۴۶.

۳. ترجمه‌های فارسی مانند: ۱. اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، ۲. شرح اصول کافی، ترجمه و شرح محمدباقر کوه‌کمری، ۳. الروضة من کافی، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی.

متن کافی را به همراه بسیاری از کتب دیگر حدیثی در نرم‌افزارهای ذیل می‌توانید مشاهده کنید:

۱. نرم‌افزار معجم فقهی، مرکز معجم فقهی حوزه علمیه قم که ویرایش جدید آن با نام مکتبه اهل البیت

بخش‌های هشتگانه اصول کافی عبارت‌اند از: کتاب الغل و الجهل، کتاب فضل العلم، کتاب التوحید، کتاب الحجّة، کتاب الایمان و الکفر، کتاب الدعاء، کتاب فضل القرآن، کتاب العیصرة.

مرحوم کلینی در اصول کافی با چینیسی دقیق و منطقی ابتدا با استناد به روایات متعدد به اهمیت عقل و جایگاه آن در شناخت معارف پرداخته و سپس به فضیلت علم آموزی و آداب آن مبادرت نموده است تا اهمیت معرفت و آگاهی را در اثبات مبانی اعتقادی روشن سازد؛ آن‌گاه به مهم‌ترین اصول اعتقادی، یعنی توحید و مباحث مربوط به خداشناسی پرداخته است. سپس در کتاب الحجّة ابتدا مباحث نبوت و در پی آن مباحث امامت را ذکر کرده است و پس از تحکیم اصول اعتقادی، در نیمه دوم اصول کافی، مباحث اخلاقی و تربیتی را آورده است. مباحثی از قبیل: تواضع، حلم، قناعت، غیبت، فضیلت دعا، فضیلت قرآن، آداب معاشرت و...

مطالب این بخش از اصول کافی بسیار جذاب و متنوع و برای همگان قابل استفاده است. از این رو مکرراً به فارسی ترجمه و در اختیار عموم قرار گرفته است.

فروع کافی: این بخش به روایات فقهی از قبیل نماز، زکات، روزه، حج، و غیره اختصاص دارد که به دلیل تخصصی بودن مطالب معمولاً مورد استفاده فقیهان قرار می‌گیرد.

روضه کافی: این بخش با ۵۹۷ حدیث، شامل مباحث گوناگونی همچون خطبه‌ها و نامه‌های ائمه علیهم‌السلام، مواظط، داستان‌ها و مطالب تاریخی است و به دلیل همین تنوع موضوعی به روضه یعنی بوستان نامگذاری شده است.

مزایا و ویژگی‌های کافی  
برخی از ویژگی‌های کافی عبارت‌اند از:

۱. تألیف کافی در عصر غیبت صغری و نزدیک بودن تألیف آن به عصر حضور ائمه علیهم‌السلام.
۲. جامعیت کتاب (اشتمال بر روایات اعتقادی، اخلاقی، فقهی) که این ویژگی در دیگر کتب اربعه وجود ندارد.



برخی از مشخصه‌های دیگر کتاب الکافی (برای مطالعه بیشتر)

(الف) ویژگی‌های مربوط به شیوه گزارش متن احادیث در الکافی

۱. ذکر نص حدیث و پرهیز از نقل به معنا،
۲. عدم ذکر احادیث متعارض و اکتفا به ذکر روایات مطابق با نظر فقهی خود،
۳. تقطیع متن در برخی موارد،<sup>۱</sup>
۴. شرح و بیان برخی از احادیث توسط مرحوم کلینی.

(ب) ویژگی‌های مربوط به شیوه گزارش سند احادیث در الکافی

۱. ذکر کامل سند تا معصوم جز در موارد اندک؛ به این معنا که سندها در این کتاب غالباً با ذکر یک یا چند تن از مشایخ کلینی آغاز می‌شود و به نام معصوم ختم می‌گردد.
- بر خلاف دیگر کتب اربعه که جهت متصل ساختن تعدادی از اسناد کتاب، لازم است به بخش پایانی کتاب به نام «مشيخه» مراجعه شود.
۲. ذکر طرق مختلف برای یک روایت؛ ذکر طرق مختلف برای یک روایت برای تقویت سند و رساندن حدیث به مرحله استفاضه یا شهرت مؤثر است، مانند مواردی که کلینی پس از نقل حدیث، سند دیگر را نیز ذکر و از لفظ «مثله» استفاده می‌کند. یعنی متن حدیث یکسان ولی سند آن متفاوت است؛ مانند:  
«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْقَرَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي الصَّائِمِ، يَكْتُمِلُ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، لَيْسَ بِطَعَامٍ وَلَا شَرَابٍ.»  
«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي شُمَيْرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْقَرَاءِ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي الصَّائِمِ.»<sup>۲</sup>

۳. وجود ثلاثیات در کافی؛ یعنی روایاتی که تنها با سه واسطه از معصوم نقل شده‌اند. به خاطر نزدیکی بودن کلینی به عصر حضور انعم علیه السلام، کافی در میان کتب اربعه تنها کتابی است که بخشی از روایانش را تنها با سه واسطه از معصوم علیه السلام نقل کرده است.<sup>۳</sup> مانند:

۱. محاذاتان که حدیثی را که مشتمل بر موضوعات مختلفی بوده است به چند بخش تقسیم کرده و هر بخش را به تناسب در موضوع و باب خاص خود نقل می‌کردند.

۲. الکافی ج ۴، ص ۱۱۱، ح ۱.

۳. آقای «ابن ترمس العاصی» مجموعه روایات ثلاثی الکافی را در کتابی گردآورده و با نام ثلاثیات کلینی و قرب الاسناد چاپ کرده است. این مجموعه شامل ۱۲۵ حدیث ثلاثی است.

ملحقات (برای مطالعه بیشتر)

نمونه‌ای از روایات اصول الکافی

۱. امام صادق علیه السلام: «الْوَالِيَةُ لِحَدِيثِنَا يَشْدُ بِه قُلُوبُ شَيْعَتِنَا أَفْضَلُ مِنْ آفَقِ عَالِيَةٍ»<sup>۱</sup>
- کسی که احادیث ما را روایت کند و دل‌های شیعیان ما را بدان استوار سازد، از هزار عابد بهتر است.
۲. امام صادق علیه السلام: «إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ بِأَفْقِهِمْ لَا بِسُنَّائِهِمْ»<sup>۲</sup>

همانا مردم چون نمی‌پرسند هلاک می‌شوند.

۳. امام صادق علیه السلام: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِذْ تَمَّانُ التَّكْوُنُ فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ»<sup>۳</sup>

بهترین عبادت همواره اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست.

۴. امام صادق علیه السلام: «خَفِ اللَّهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَكُنْ بِرَأْسِ كُنْ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ تَبْرُزُ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ فَقَدْ جَعَلْتَهُ مِنْ أَعْوَنِ النَّاسِ بِكَ عَلَيْهِ»<sup>۴</sup>

چنان از خدا تبرس که گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند اگر معتقد باشی که او تو را نمی‌بیند کافر شده‌ای و اگر بدانی او تو را می‌بیند و با حال معصیت در برابر حضر تنش حاضر شوی او را کو چکترین ناظران بر خودت قرار داده‌ای.

۵. امام صادق علیه السلام: «مَنْ إِنْتَبَى مِنَ التَّوْبِينِ بِنَلَاءِ قَصَبٍ عَلَيْهِ كَأَنَّ لَهُ مِثْلَ جُرْ أَلْفٍ شَهِيدٍ»

هر مؤمنی بی‌لانی گرفتار شود و صبر کند اجر هزار شهید برای اوست.

عرضه شده است، از مزایای این برنامه آن است که متن کافی را همراه با کلیه پاروفاها و شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی در بر دارد. ۲. نسوم افوار جامع الاحادیث (نور ۲ و ۲/۵)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی که متن کافی را با اعراب کامل و نسبتاً صحیح عرضه کرده است. ۳. در نرم افزار جامع فقه اهل البیت این مرکز علاوه بر درج تعدادی از شروح مشهور کافی و دیگر کتب اربعه امکان ارتباط متن کتاب‌ها یا شروح فراهم گردیده است. ۴. متن اصول و روضه کافی به همراه برخی شروح و ترجمه‌های فارسی آن در نرم افزار گنجینه روایات نور آمده است. برای بررسی اسناد کتب اربعه نیز می‌توانید از نرم افزار درایة النور مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی استفاده کنید. ۲. برنامه نشر حدیث که امکان جستجوی ریشه‌ای را در متن کافی فراهم ساخته است.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۴۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۵.

۴. همان، ص ۹۲.



مصادیق عده‌های مجهول در هیچ‌یک از منابع حدیثی و رجالی موجود مشخص نگردیده است و لذا چنین مواردی موجب ارسال سند می‌شود.

(د) حیلوله یا تحویل در سند؛ تحویل در سند یعنی انتقال از سندی به سند دیگر و این در صورتی است که راوی بخواهد متن حدیثی را که با دو یا چند سند نقل شده است، یک جا روایت کند، مانند:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ رَبِّهِ بْنِ عَامِرٍ جَمِيعًا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ...<sup>۱</sup>

سند فوق در اصل به سه سند قابل تفکیک است:

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ عُثْمَانَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ

أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ...

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ

بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ...

۳. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَبْدِ رَبِّهِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ

أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ...

۲. شیخ صدوق و کتاب من لا یحضره الفقیه

مؤلف  
 أبو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی<sup>۲</sup>، معروف به «شیخ صدوق» از بزرگترین محدثان شیعه است. پدرش علی بن حسین بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) از فقها و محدثان بزرگ شیعه در عصر غیبت صغری است که در منطقه مرکزی قم مدفون است. پدر تا سالیانی دراز فرزندی نداشت و در نامه‌ای به امام زمان علیه السلام درخواست کرد تا امام دعا کند که صاحب فرزند شود. امام علیه السلام در توقیع مبارک خود او را بشارت داد که: «ما برای تو دعا کرده‌ایم و به زودی دارای دو پسر فقیه خواهی شد. در اثر دعای امام زمان علیه السلام شیخ صدوق در حدود سال‌های ۳۰۶ هجری بدنیا آمد. خود او در کتاب کمال الدین می‌گوید: «محمد بن علی الاسود که اشتیاق من در

۱. رجال النجاشی، ص ۳۸۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۷، ح ۳.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مُدَارَاةُ النَّاسِ يَنْفَعُ الْإِيمَانَ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ يَنْفَعُ الْقَبِيلَ.<sup>۱</sup>

۴. استفاده از شیوه‌های مختلف برای اختصار سند؛ برخی از این شیوه‌ها عبارت‌اند از:

الف) تعلیق بر اسناد قبل، این موقعی است که بخشی از ابتدای سندی با ابتدای سند روایتی در قبل یکسان باشد. در این صورت آغاز دوم را به اعتماد سند اول حذف می‌کنند،

ب) شبیه تعلیق، یعنی به کار بردن عبارت «بهذا الاسناد» جهت حذف سند مکرر یا

بخشی از آن، مانند:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ قُصَّالَةَ بْنِ أَبِي بَرْزٍ عَنْ أَبِي بَرْزٍ عَنْ

إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ الْقُتُوبِ وَ مَا يَقَالُ فِيهِ فَقَالَ: «مَا قُتِيَ اللَّهُ عَلَى

لِسَانِكَ وَ لَا أَعْلَمُ لَهُ شَيْئًا مَوْثِقًا.

و در روایت بعدی چنین آمده است:

بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ قُصَّالَةَ عَنْ أَبِي بَرْزٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْقُتُوبُ فِي الْقَرِيضَةِ الدُّعَاءُ وَ فِي الْوَثْرِ الْإِسْتِغْفَارُ.<sup>۲</sup>

ج) به کار بردن عبارات جمعی، مانند: «عده من اصحابنا»، منظور از «عده من اصحابنا» در آغاز سند تعدادی از مشایخ کلینی اند که وی جهت اختصار، به نام آنها تصریح نکرده است. اغلب این عده‌ها معلوم‌اند یعنی در کتب رجالی افراد آنها را مشخص کرده‌اند و چون در هر یک از عده‌های معلوم حداقل دو نفر راوی موثق وجود دارد چنین تعبیرهایی خللی به سند وارد نمی‌سازد. عده‌ها معلوم کافی به عده‌های گنجه می‌شود که پس از تعبیر «عده من اصحابنا» نام یکی از سه نفر زیر وجود داشته باشد:

۱. عده من اصحابنا عن أحمد بن محمد بن عيسى، افراد این عده پنج نفرند.

۲. عده من اصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد البرقي، افراد این عده نیز پنج نفرند.

۳. عده من اصحابنا عن سهل بن زياد، افراد این عده چهار نفرند.

بقیه عده‌های کتاب که از غیر این سه نفر نقل کنند مجهول به شمار می‌روند.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۴۰.



شیخ صدوق پس از هفتاد و چند سال زندگانی در خشان و پر افتخارش سرانجام به سال ۳۸۱ هجری در ری چشم از جهان فرو بست. آرامگاهش اینک در شهر ری به نام «ابن بابویه» زیارتگاه مسلمانان است.<sup>۱</sup>

۱. الاُخالی: املائی - حادیت در مجالس متعدد با موضوعات متنوعی عمدتاً مشتمل بر مباحث اخلاقی،

تاریخی و قضای اهل بیت.

۲. کمال الدین و تمام النعمه: غیبت و ظهور امام زمان (عج).

۳. ثواب الأعمال: روایات مربوط به اعمال نیک و پاداش آنها.

۴. عقاب الأعمال: روایات مربوط به اعمال ناپسند و مجازات آنها.

۵. صفات النبیة: روایاتی درباره خصوصیات و صفات شیعیان.

۶. فضائل النبیة: روایاتی درباره مقام و منزلت شیعیان.

۷. علل التراج: روایاتی مشتمل بر علت برخی از احکام، عقاید و جریانات تاریخی.

۸. عیون أخبار الرضا: روایاتی درباره امام رضا (ع) و نیز روایات برجسته آن حضرت.

۹. معانی الأخبار: ذکر روایاتی در شرح اصطلاحات قرآنی، روایی، عقیداتی، فقهی و...

۱۰. فضائل رجب: فضائل شعبان، فضائل شهر رمضان: سه کتاب مشتمل بر روایاتی در فضیلت رجب، شعبان، رمضان که در مجموع عمای به نام فضائل الأشهر الثلاثة چاپ شده‌اند.

۱۱. کتاب من لا یحضره الفقیه: روایات اندکی از روایات اخلاقی و مواظب (در مورد این

کتاب به تفصیل بحث خواهیم کرد).

۱۲. التلمیح: در علم فقه.

۱۳. الهدایه: در اصول دین و فروع فقه.

۱۴. الاعتقادات: در عقاید و کلام روایی.

۱۵. جریان تازه بودن کالبد مرحوم صدوق را اینگونه گزارش کرده‌اند: از جمله کراماتی که در روزگار نه

چندان دور اتفاق افتاده و گروه بسیاری شاهد آن بوده‌اند آن است که در حدود سال ۱۳۳۸ هجری، پس از

گذشت بیش از هشت قرن از رحلت آن مرحوم، مرقف شریف شیخ صدوق بر اثر باران زیاد دچار شکاف

شده، در پی آن سوراخ‌های آشکار شد. وقتی چند تن به سوراخ‌های که محل دفن بدن شریف او بود وارد

شدند، مشاهده کردند که پیکر او پس از گذشت سال‌ها صحیح و سالم با همان صورت قبل از مرگش

باقی مانده است. این پیشامد به اطلاع فتععلی شاه قاجار رسید. وی برای اینکه از نزدیک جریان را ببیند

به همراه انانی در محل دفن شیخ حضور یافت و دستور داد علمایی که حضور داشتند وارد سوراخ

شوند. پس از آن شاه دستور داد سوراخ را ببوشانند و عمارت تزاری را بر فراز قبر او بسازند و بر تزیین آن

کردند. پس از آن شاه دستور داد سوراخ را ببوشانند و عمارت تزاری را بر فراز قبر او بسازند و بر تزیین آن

روضة مبارکه همه اعظم اساتید پیشین ماکه از سرشناسان عهد خود بوده‌اند این رویداد را نقل کرده‌اند.

ملاقات کرده و همه اعظم اساتید پیشین ماکه از سرشناسان عهد خود بوده‌اند این رویداد را نقل کرده‌اند.

روضات الجنات ج ۶، ص ۱۴۰، رقم ۵۷۴، تنقیح المقالة ج ۳، ص ۱۵۲.

تعلیم علم را می‌دید فراوان می‌گفت: اشتیاق تو در علم آموزی عجیب نیست زیرا تو در اثر دعای امام عصر (ع) به دنیا آمده‌ای.

خود شیخ صدوق نیز به این مطلب افتخار می‌کرد و می‌گفت: «من به دعای صاحب الامر (ع) متولد شده‌ام».

شیخ صدوق (ع) در کثرت مشایخ در میان عالمان شیعه کم‌نظیر است و اساتید وی

را بیش از ۲۵۰ تن برشمرده‌اند،<sup>۱</sup> وی پس از پدرش، شاگرد محمد بن حسن بن ولید

شد از بین مشایخ متعدد وی ابن ولید (م ۳۴۳ ق)، در تکوین شخصیت علمی صدوق،

به‌ویژه در زمینه‌های حدیثی و رجال، مؤثرتر بوده است. شیخ صدوق پس از چند

سال کسب علم از مشایخ قم به شهر بزرگ ری مهاجرت کرد و این شهر را محل

سکونت خود قرار داد و سپس از آنجا به شهرهای زیادی سفر و از مشایخ آن دیار اعم

از شیعه و سنی روایت نقل کرده است. در سال‌های ۳۵۲ تا ۳۶۸ به نیشابور، مشهد،

مرور، بغداد (مدینه السلام)، کوفه، مکه، همدان، بلخ، سمرقند و گرگان سفر

کرد. شیخ صدوق از جوانی بر کرسی تحدیث نشست<sup>۲</sup> و بزرگانی از امامیه همچون

شیخ مفید، سید مرتضی علم الهدی، حسین بن عبدالله غضائری از او روایت شنیده‌اند.

شیخ صدوق در بین دانشمندان از نظر وسعت معلومات و کثرت کتب و مصنفات

فردی کم‌نظیر است. وی حدوداً ۳۰۰ کتاب و رساله<sup>۳</sup> در موضوعات مختلفی از قبیل

تفسیر، حدیث، اخلاق، عقاید، فقه، رجال و... نوشته بود که متأسفانه امروزه از میان

آثار متعدد و ارزنده وی کمتر از ۲۰ اثر به دست ما رسیده است.<sup>۴</sup>

۱. رک: معانی الأخبار، مقدمه ربانی شیرازی، ص ۳۷-۶۸ شامل نام ۲۵۲ نفر از اساتید شیخ صدوق.

۲. ظاهراً شیخ صدوق چند بار به بغداد که مرکز علمی آن عصر به شمار می‌رفت سفر کرده است. نجاشی

زمان ورود وی به بغداد را سال ۲۵۵ ثبت کرده است (رجال النجاشی، ص ۳۸۹).

۳. رک: صدوق، معانی الأخبار، مقدمه آقایی عبدالرحیم ربانی شیرازی، ص ۱۷-۲۵، مفاخر اسلام، ج ۳، ص

۱۶۲-۱۷۰.

۴. نجاشی درباره وی می‌نویسد: و سمع منه شیوخ الطائفة و هو حدث السن. رجال النجاشی، ص ۳۸۹.

۵. معالم العلماء، ص ۹۹، خلاصة الاقوال، ص ۷۲.

۶. آثار حدیثی موجود از شیخ صدوق (ع) (برای مطالعه بیشتر).

۱. التوحید: شامل مباحث توحیدی موجود در روایات.

۲. الخصال: دسته‌بندی احادیث مختلف بر مبنای اعداد.



۳. شیخ صدوق در این کتاب مجموعه روایات فقهی اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> را که از دیدگاه خود صحیح و معتبر و حجت بین خود و خدا می دانسته جمع آوری کرده است.

هرچند سند روایت را در کتاب حذف و یا ناقص نقل کرده است.

۴. مرحوم صدوق در پی تصنیف کتابی فقهی بوده است، نه حدیثی و چون فقه

مأثور (فقه روایی) از الفاظ روایات اخذ می شود احادیث فقهی را نقل کرده است.

۵. همچون کلینی روایات مختلف و متعارض را نقل نکرده است، بلکه فقط آنچه

مطابق با فتوای خودش بوده را نقل کرده است.

۶. برای پرهیز از طولانی شدن کتاب، اسانید روایات را حذف کرده است و برای اینکه موجب ارسال روایات نشود مشیخته<sup>۱</sup>ی در آخر کتاب فراهم کرده و بسیاری از اسناد خود را در آنجا ذکر نموده است.

۷. مشیخته ذکر شده در آخر کتاب کامل نیست و نزدیک به ۱۲۰ راوی و طرق خود

به آنها را ذکر نکرده است.

۸. صدوق در بعضی از موارد حدیث را به گونه نقل به معنا می آورد و نص روایت را ذکر نمی کند؛ لذا در تعارض بین این کتاب و سایر کتب در الفاظ حدیث، کتب دیگر

مقدم می شوند.

۹. روایات منسوب به ائمه<sup>علیهم السلام</sup> را دو گونه نقل می کند؛ گاه می گوید: «قال الصادق<sup>علیه السلام</sup>» و گاهی عبارت «روی عن الصادق<sup>علیه السلام</sup>» را می آورد. گفته شده است مورد

اول در جایی است که به صدور حدیث اطمینان دارد و دومین مورد آنجا است که این

اطمینان را ندارد.

۱۰. اکثر فتوای شیخ صدوق در کتاب فقیه با فتوی مشهور علمای شیعه موافقت دارد، اما در موارد نادری نیز فتوای شاذ و خلاف مشهوری در این کتاب به چشم می خورد؛ مثل جواز وضو با گلاب، و جوب تحت الحنک برای شخص معمم؛ و جوب قنوت، و جوب غسل روز جمعه و....<sup>۲</sup>

۱. مشیخته در لغت اسم مکان از «شیخ» به معنای محل ذکر مشایخ است. مشیخته در اصطلاح فهرستی از سندهایی است که برای اتصال سلسله سند به مشایخ یا کتبی که روایات از آنها نقل شده است به کار می رود؛ از مجموع ۵۹۹۸ روایت کتاب حدود ۲۹۳۳ روایت را می توان با استفاده از مشیخته مستند ساخت.

۲. برای مشاهده فتوای شاذ مرحوم صدوق در فقیه، ر.ک: مجله علوم الحدیث، ش ۲، ص ۱۵۷-۱۶۸. برخی

کتاب من لا یحضره الفقیه  
نام کامل این اثر کتاب من لا یحضره الفقیه است؛ عنوانی که مرحوم صدوق در مقدمه کتاب بدان تصریح کرده است. به اقتضای معنای عبارت ظاهر لفظ «کتاب» نیز جزء عنوان است؛ یعنی «کتاب آن کس که دسترسی به فقیه ندارد».

مؤید این نکته آن است که مرحوم صدوق نام این کتاب را از یکی از آثار محمد بن زکریای رازی به نام کتاب من لا یحضره الطیب اقتباس کرده است. به این کتاب اختصاصاً الفقیه نیز اطلاق می شود؛ چنان که گاهی با رمز «یه» بدان اشاره شده است.

شیخ صدوق تألیف فقیه را به سال ۳۶۸ هجری به درخواست یکی از سادات بزرگوار شهر بلخ در ایلاق<sup>۱</sup> آغاز کرد. او از شیخ صدوق درخواست کرده بود مانند کتاب من لا یحضره الطیب محمد بن زکریای رازی در علم طب، او هم کتابی در علم فقه به نگارش در آورد تا مورد استفاده کسانی قرار گیرد که به علما و فقهای بزرگ دسترسی ندارند. از این رو موضوع اصلی کتاب روایات فقهی است.

#### منفصله های کتاب من لا یحضره الفقیه

با بررسی مقدمه و متن کتاب برخی از ویژگی های آن عبارت اند از:

۱. احادیث از کتاب های اصول مشهور و مرجع نقل شده است و از این جهت معتبر هستند. کتاب در چاپ های رایج در چهار جلد تنظیم و مشتمل بر قریب ۶۰۰۰ حدیث است.

۲. چون موضوع اصلی کتاب احکام فقهی است، ابواب کتاب بر اساس ابواب و مباحث فقهی سامان یافته است. مرحوم صدوق در لابه لای مباحث فقهی این کتاب، گاهی به تناسب بحث، برخی از ادعیه، زیارات و روایات اخلاقی را نیز آورده است؛ مثلاً پس از کتاب الحج (در پایان جلد دوم فقیه)، متن زیارت پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> و ائمه اطهار، موضع قبر ایشان، زیارت جامعه کبیره و رساله حقوق امام سجاده<sup>علیه السلام</sup> را نقل کرده است.

بخش پایانی نیز با عنوان «کتاب النوادر» مجموعه ای است مشتمل بر ۱۵۸ حدیث خواندنی شامل مطالبی اخلاقی از معصومین<sup>علیهم السلام</sup>.

۱. ایلاق شهرستانی است از بلاد مارواه النهر که از توابع سمرقند به شمار می رود (فقیه ری، ص ۳۴).

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۶۵-۵۶۶.



استادش سید مرتضی، که مشتمل بر هشتاد هزار جلد کتاب بود، بهر می برده است. پس از تضعیف و سقوط حکومت آل بویه و قدرت یافتن ترکان سلجوقی خانه و کتابخانه او در آتش کینه فتنه‌جویان سوخت، در سال ۴۴۸ هجری شیخ طوسی از بغداد خارج شد و به نجف اشرف رفت و در آن شهر حوزه علمیه‌ای تأسیس کرد که بزرگ‌ترین حوزه علمیه در میان شیعیان شد. وی تا پایان عمر در همین شهر به تدریس و تألیف پرداخت.

سرانجام شیخ الطائفه در سال ۴۶۰ هجری در ۷۵ سالگی به دیدار حق شتافت و در منزل مسکونی خویش در نجف اشرف به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup> شیخ الطائفه مردی سخت‌کوش و دارای تألیفات فراوان است. شمار آثار وی را قریب به ۴۷ اثر در موضوعات مختلف نام برده‌اند.<sup>۲</sup> دو کتاب از کتب اربعه شیعه یعنی التهذیب و الاستبصار از تألیفات او است. امالی طوسی مجموعه سخرانی‌های حدیثی او است که توسط فرزانش جمع‌آوری شده است. کتاب الغیبه نیز از دیگر کتب حدیثی شیخ است که به موضوع غیبت امام زمان (علیه السلام) پرداخته است. کتاب النبیان در تفسیر قرآن است و در ده جلد به چاپ رسیده است. عدة الاصول نیز تحقیقات اصولی شیخ طوسی است. کتاب‌های رجال الطوسی، فهرست و اختیار معرفة الرجال (خلاصه‌ای از کتاب رجال کُشی) نیز سه اثر رجالی شیخ طوسی هستند.

### تهذیب الأحکام

نام کتاب تهذیب الأحکام است که گاهی به اختصار از آن با عنوان تهذیب یاد می‌شود. در برخی از کتاب‌ها با رمز «اب» به این اثر اشاره شده است.

تهذیب اولین تألیف شیخ طوسی است که در بدو ورود به بغداد و مدتی پیش از وفات استادش شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) تألیف آن را آغاز کرد. این کتاب در واقع شرحی بر کتاب المقیّعه، رساله فقهی استادش شیخ مفید است. شیخ طوسی قبل از بیست و هشت سالگی شرح‌نویسی بر کتاب المقیّعه را آغاز کرد و تا هنگام رحلت شیخ مفید یعنی سال ۴۱۳ هجری کتاب طهارت را به اتمام رساند و باب اول کتاب الصلاة را نیز

۱. تفسیر النبیان، ج ۱، مقدمه آقا بزرگ تهرانی، ص ۴۱.

۲. رک: همان، ج ۱، ص ۶۶-۷۱ و ۲۰۶-۲۲۷.

### ۳. شیخ طوسی و تهذیب و استبصار

#### مؤلف

ابرجعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به «شیخ طوسی» و «شیخ الطائفه»، در رمضان سال ۳۸۵ هجری قمری احتمالاً در منطقه طوس خراسان به دنیا آمد از اینکه شیخ طوسی دوران اولیه تحصیل خود را در کجا و نزد چه کسانی سپری کرده است اطلاعات چندانی در دست نیست، اما به احتمال فراوان وی دوران جوانی خود را در طوس گذرانده و علوم مختلفی همچون لغت، ادبیات، فقه، اصول، حدیث و علم کلام را در همان شهر فرا گرفته است.<sup>۱</sup>

به سال ۴۰۸ هجری در بیست و سه سالگی رهسپار بغداد شد.<sup>۲</sup> بغداد در زمان شیخ طوسی گذشته از اینکه شهری با عظمت بود و مرکز خلافت بنی عباس محسوب می‌شد از نظر علمی نیز در اوج شهرت و مجمع دانشمندان کلیه مذاهب اسلامی بود. دانشمندان مذاهب چهارگانه اهل سنت در کنار علمای بزرگ شیعه امامی و زیدی در موضوعات مختلف علمی، به ویژه مباحث کلامی، آزادانه به بحث، بررسی، مذاکره و مناظره می‌پرداختند.

شیخ طوسی با ورود به بغداد به مجلس درس شیخ مفید پیوست و مدت پنج سال، یعنی تا پایان زندگی شیخ مفید (۴۱۳ ق) از محضرش بهره‌مند شد. بعد از رحلت شیخ مفید ریاست علمی و دینی شیعه به بزرگ‌ترین شاگرد او، یعنی سید مرتضی رسید. شیخ طوسی بیست و سه سال از درس سید مرتضی، بعد از وفات سید مرتضی در اصول، استفاده کرد و سرآمد شاگردان سید مرتضی شد. بعد از وفات سید مرتضی در سال ۴۲۶ هجری ریاست علمی و دینی جامعه شیعه به شیخ طوسی رسید.<sup>۳</sup>

اکثر تألیفات شیخ در بغداد انجام شده است. وی در این شهر از کتابخانه‌های بزرگی همچون کتابخانه شاپور بن اردشیر (وزیر آل بویه) با ده هزار جلد کتاب و کتابخانه

دیگر از آرای شاذ ایشان عبارت‌است از: جواز سهو نمی در غیر از امور مربوط به تبلیغ رسالت، حرمت شهادت سوم در نماز، عدم وجوب صلوات بر پیامبر اکرم (علیه السلام) در تشهید.

۱. رک: امالی الطوسی، مقدمه محقق ص ۹.

۲. رک: اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۵۹؛ الذریعه، ج ۴، ص ۵۰۴.

۳. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۵۹.



۳. اشتغال بر مجموعه نسبتاً کاملی از روایات به ظاهر متعارض و غیر متعارض؛ شیخ طوسی برخلاف روشن مرحوم کلینی در الکافی و مرحوم صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه روایات متعارض را حذف نکرد بلکه به طرح و رفع تعارض میان آنها پرداخت. این ابتکار شیخ طوسی باعث شد تا بسیاری از روایاتی که در آن دو کتاب ذکر نشده است به نسل های بعدی شیعه انتقال یابد. شاید بتوان این عمل را مهم ترین کار شیخ طوسی دانست. شیخ، به تصریح خود، در کتاب تهذیب و استبصار بیش از پنج هزار حدیث مختلف (به ظاهر متعارض) را گرد آورده است.<sup>۱</sup>

۴. ارائه شیوه عملی در جمع بین روایات به ظاهر متعارض. شیخ طوسی با توجه به اطلاعات دقیق حدیثی، رجالی، فقهی، اصولی و کلامی توان خود را در جمع بین روایات مختلف نشان داده است.

۵. شیوه گزارش اسناد: شیخ در این کتاب و همچنین استبصار گاه مانند کافی تمام سند را آورده و گاه مانند فقیه آغاز سند را حذف و برای اتصال از مشیخه استفاده کرده است. البته طرق دیگری نیز دارد که در کتاب فهرست خویش ذکر کرده است. ذکر کامل سند در ابواب آغازین تهذیبین (تهذیب و استبصار) بیشتر به چشم می خورد.

#### الاستبصار

نام کامل این اثر الاستبصار فیما اختلف من الأخبار است؛ یعنی کتابی که موجب بصیرت و روشنگری درباره روایات مختلف (متعارض) می گردد، و به اختصار به آن استبصار می گویند. گاهی نیز با رمز «ص» به آن اشاره می شود.

این کتاب در حقیقت نوعی تلخیص تهذیب الأحکام است که تنها به گردآوری روایات مختلف و جمع میان آنها پرداخته است. بنابراین موضوع کتاب صرفاً روایات فقهی به ظاهر متعارض (مختلف) است. اگرچه کتاب استبصار، همچون تهذیب، به ترتیب ابواب فقهی (از کتاب طهارت تا دیات) تنظیم شده است، شامل همه ابواب فقهی نیست، بلکه تنها به ابوابی پرداخته که روایات متعارض در آن وارد شده است. استبصار طبق شمارش مؤلف شامل ۵۵۱۱ حدیث است.<sup>۲</sup>

۱. اللعه فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۲. بخش اول مشتمل بر ۳۰۰ باب و ۱۸۷۹ حدیث (در نسخ چاپی ۱۸۹۹ حدیث)، بخش دوم شامل ۲۱۷

شرح کرد. در این موقع شیخ مفید به جهان باقی شنافت و شیخ طوسی بعد از وفات وی بقیه کتابش را به پایان رساند.<sup>۱</sup>

شیخ طوسی در مقدمه تهذیب انگیزه خود را از نگارش این کتاب این گونه بیان می کند: یکی از دوستانم، که مراعات حق ایشان بر من واجب است، از من در خواست کرد که احادیث اصحاب را جمع آوری و موارد اختلاف، تبیین، منافات و تضاد میان آنها را بررسی کنم... کار اختلاف روایات به آنجا کشیده است که مخالفان به ما طعنه می زنند و این را از بزرگ ترین عیب های مذهب ما به شمار می آورند و به این وسیله

می خواهند مذهب ما را باطل اعلام کنند...<sup>۲</sup>

کتاب تهذیب، اگرچه امروزه بیشتر به عنوان یک جامع حدیثی شناخته می شود، فقط با هدف جمع آوری احادیث تألیف نشده است، بلکه شیخ از این راه قصد تحکیم مبانی تشیع و رفع اختلاف احادیث را داشت تا موجبات طعن و اشکال مخالفان را از بین ببرد؛ از این رو برخی شیخ طوسی را اولین محقق دانسته اند که با نقد حدیث و پرداختن به روایات متعارض به دفاع از تشیع برخاسته است.<sup>۳</sup>

#### مشخصه های کتاب تهذیب الأحکام

برخی از مشخصه های آن عبارت است از:

۱. موضوع تهذیب روایات فقهی (اعم از متعارض و غیر متعارض) است که بر اساس ابواب فقهی و مطابق با ترتیب کتاب المقننه سامان یافته است؛ لذا از کتاب طهارت آغاز و به کتاب ارث، حدود و دیات ختم می شود. بخش پایانی کتاب «مشیخه» است که از آن برای اتصال اسناد استفاده می شود.
۲. این اثر در مجموع قریب به ۱۴۰۰۰ روایت دارد که بیشترین روایات فقهی را در بین کتب اربعه به خود اختصاص داده است. (برای مثال فروع الکافی ۱۱۰۲۱ روایت دارد، در حالی که تهذیب دارای ۱۳۹۸۸ روایت است).

۱. عبارت «قال الشيخ ایداه الله» در آغاز کتاب، و قال الشيخ رحمه الله از باب دوم به بعد مشخص کننده بخش هایی از کتاب تهذیب است که در زمان حیات و پس از رحلت شیخ مفید تألیف شده است.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۱، مقدمه.

۳. عبارت سید محسن امین در این باره چنین است: والحق ان الشيخ اول باحث نقد الاحادیث و حاول الجمع بین مختلفاتها و متعارضاتها للکمال العالی الکلامی الی آخرها. ایان الشیعه، ج ۹، ص ۱۶۴.

۴. آمار به نقل از علوم الحدیث، ش ۱، ص ۲۶۳.



## پرسش

۱. علل شهرت یافتن کتب اربعه را بنویسید.
۲. کتب اربعه شیعه را با ذکر نام مؤلفان آنها نام ببرید.
۳. کتاب کافی و من لا یحضره الفقیه را با هم مقایسه کنید (حداقل ۵ مورد).
۴. کتاب کافی و استبصار را با هم مقایسه کنید.

## پژوهش

۱. ضمن مراجعه به اسناد کتاب کافی، نام پنج نفر از مشایخ بلاواسطه کلینی را همراه با آدرس ده روایت که نام این اساتید در سند آن روایات قرار دارد، ذکر کنید.
۲. پنج حدیث در کافی بیابید که تعبیر عده من اصحابنا در آغاز اسناد آنها آمده باشد.
۳. حدیثی را در من لا یحضره الفقیه انتخاب کنید سپس تعلیق سند آن را از طریق مشیخه مرتفع نمایید.
۴. با مراجعه به تهذیب الأحکام و استبصار شکل چنش احادیث را در این دو کتاب در مورد یک موضوع فقهی نشان دهید. (احادیث موافق و معارض و فتوای مفید و جمع احادیث).

تذکر: تمام روایاتی که در استبصار وجود دارد در تهذیب نیز آمده است؛ از این رو روایات این کتاب چیزی بیش از روایات تهذیب را در بر ندارد و ظاهراً چون تنها کتاب اختصاصی در روایات متعارض بوده جزء کتب اربعه شمرده شده است.

نمونه‌ای از جمع بین روایات مختلف از کتاب استبصار

بَابُ مَنْ أَوْصَى بِشَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى

۱. أَخْبَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ الْخُسَيْنِ بْنِ عَمْرِو قَالَ: قُلْتُ لِبْنِ عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ رَجُلًا أَوْصَى إِلَى شَيْءٍ فِي السَّبِيلِ، فَقَالَ: اصْرِفْهُ فِي الْحَجِّ، قَالَ فَقُلْتُ لَهُ: أَوْصَى إِلَى فِي السَّبِيلِ، فَقَالَ: اصْرِفْهُ فِي الْحَجِّ، قَالَ فَقُلْتُ لَهُ: أَوْصَى إِلَى فِي السَّبِيلِ، فَقَالَ: لَا أَعْلَمُ شَيْئًا مِنْ سَبِيلِهِ أَفْضَلَ مِنَ الْحَجِّ.

۲. قَامًا مَارَ وَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ الْخُسَيْنِ بْنِ رَافِعٍ، قَالَ: سَأَلْتُ الْعَسْكَرِيَّ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ عَنْ رَجُلٍ بِعَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَقَالَ: سَبِيلُ اللَّهِ شَيْئًا.

فَلَا يَنَاقِي الْخَيْرَ الْأَوَّلَ لِأَنَّهُ يَكُونُ الْبَنْعُ بَيْنَهُمَا عَلَى مَا ذَكَرَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مِنَ الْخُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ الثَّقَفِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ لِأَنَّهُ قَالَ: يَنْبَغِي أَنْ يُعْطَى الْمَالُ رَجُلًا مِنَ الشَّيْعَةِ لِيُجِبَ بِهِ فَيَكُونَ قَدِ انْصَرَفَ فِي الْوُجْهِينِ جَمِيعًا وَهَذَا وَجْهُ قَرِيبٌ<sup>۱</sup>.

توضیح: موضوع روایات این باب آن است که اگر کسی وصیت کرده باشد که بعد از مرگ بخشی از مالش را در راه خدا خرج کند، این مال را باید در چه کاری صرف کرد؟ در روایت اول امام صادق عليه السلام فرمودند: مال را در راه حج خرج کن، اما در روایت دوم امام عسکری عليه السلام فرمودند: چنین مالی به شیعیان پرداخت شود.

شیخ طوسی در جمع بین این دو روایت به ظاهر مخالف به نقل از شیخ صدوق می‌نویسد: «شایسته است مال را به یکی از شیعیان داد تا حج به جا آورد تا بدین صورت به مضمون هر دو روایت عمل شده باشد».

باب و ۱۱۷۷ حدیث و بخش سوم حاوی ۳۹۸ باب و ۲۴۵۵ حدیث است. در چاپ‌های اخیر استبصار، که با تحقیق سید حسن خراسان انجام گرفته، تعداد کل روایات ۵۵۵۸ عدد ثبت شده و عنوان این اختلاف تعدد اسناد یک روایت، تکرار حدیث و تفاوت نسخ یاد شده است. ر.ک: الاستبصار، ج ۴، ص ۳۴۳.

۱. الاستبصار، ج ۴، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.